اثر اتساع اطلاع در بحث قرائات: جواب داشتن در مقابل شبهات منکرین قرآن

شاگرد: بعدش چه می‌شود؟

استاد: بعد از این‌که این کار را کردیم، می‌دانید لازمه‌اش چه می‌شود؟ لازمه‌اش این است: یک آمریکایی در یمن دید مصحف صنعاء از سقف بیرون آمد، خوشحال می‌شود که این اسراری علیه اسلام است؛ یعنی آن را آماده می‌کند و مثل یک بمب اتمی کل اسلام را از بین می‌برد. چرا خیال می‌کنیم که بمب اتمی است؟ به‌خاطر این‌که همین ذهنیت‌ها در ذهن او بوده. ذهن ساده غیر تخصصی راجع به قرآن داشته. وقتی این مباحث صاف می‌شود به او می‌گویی این حرف توی خنده‌دار است. توی که به خیالت می‌رسد یک چیز نویی را آورده‌ای، صدها مطلب مکتوب روشن برای توی عرضه می‌کنیم که ما این‌ها را از روز اول می‌دانیم.

مثلاً یکی از چیزهای خیلی ساده‌اش و مطلبی که مسلمان و کافر هم ندارد، این است: البدایه ابن کثیر کتاب تاریخی است. همه می‌توانند آن را بخوانند. کومونیست، یهودی و... می‌توانند آن را بخوانند. البدایه را باز کنید، وقایع سال ۳۹۸ را ببینید. می‌گوید در بغداد مصحفی پیدا شد که برای عبدالله بن مسعود بود. نزد قاضی القضات بغداد آوردند. حالا هر عاقلی در این‌جا بود می‌گفت قاضی القضات مصحف را نگاه می‌کرد و می‌گفت به به! چه مصحف قدیمی و خوبی است! می‌گفت خیلی هم خوب است. اما قاضی القضات چه کار کرد؟ «فامر باحراقه». گفت که آن را آتش بزنید. آتش هم زدند. می‌گوید در بغداد یک نزاعی شد!

این کلام ابن کثیر شاهد این است که همانطور که الآن در نیمه شعبان کربلا شلوغ می‌شود در آن زمان هم رسم مستمر بوده. خیلی‌ها می‌گویند این‌ها را برای خودشان در می‌آوردند! کجا در می‌آوردند؟! ابن کثیر می‌گوید وقتی مصحف ابن مسعود را احراق کردند روافض در نیمه شعبان به کربلا رفتند و آن قاضی القضات را نفرین کردند. بعد از آن در بغداد فتنه عظیمی به پا شد. آن قاضی فرار کرد. بعد می‌گوید برای این‌که سنی‌ها تلافی کنند، گفتند ما هم شیخ مفید شیعه را می‌کشیم. شیخ مفید هم احساس خطر کرد و از بغداد بیرون رفت. این‌ها را ابن کثیر می‌آورد. نگاه کنید خیلی جالب است.

سؤال من این است: الان به این آمریکایی بگویند مصحف ابن مسعود که یک چیزی نیست که ما ندانیم. مصحف امیرالمؤمنین یک چیزی نیست که شیعه ندانند. این‌ها یک چیزهایی است که همه مسلمانان می‌دانند. کار عثمان را هم می‌دانند. این‌که بعد از آن هم خود مسلمانان جمع شدند و عثمان

ار بەخاطر آن کشتند ار هم میدانند. یکی از مهمترین ادله کشتن عثمان همین بود. اینها ار میدانند. پس شما چیز مهمی ار کشف نکردهای. داری میگویی یک لوح هست که لایه زیرین آن مصحفی است که با مصحف فعلی تفاوت دارد. بله، لایه زیرین آن مصحف ابن مسعود بوده، بعد که قرائات دیگر رایج شده بود دیگر مصحف این مسعود محل ابتلای قاری و مقری نبوده، روی آن دیگری ار نوشته اند. ظاهراً پوست گاو بوده. پوست گاو به این صورت است که چندین لایه روی آن نوشته می شده. الآن با تجهیزاتی که هست لایههای زیرین ار میخوانند.

یکی از سادهترین لوازم این بحث همین است. یعنی وقتی اینها ار میگویند دیگر آرام هستیم. اما وقتی این مباحث صاف نباشد و اطلاعات صاف نباشد، همان بمبی که این بی خبر جاهل –که به خیالش چه کاری کرده!- درست کرده در ذهن ما هم منفجر میشود. چرا؟ چون جاهلیم. چون مبادی اشتباهی داریم. چون قدر تراثی که داشتیم ار ندانستیم. حالا بگوییم حالا بیا جواب بده؟ تمام شد.

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 14:57:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2024 14:06:02 توسط ... .